

«این نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید»: برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی

تاریخ دریافت ۹۴/۸/۱۳

تاریخ تصویب ۹۴/۱۲/۲۲

جواد زارع^۱

عباس اسلامی راسخ^۲

عزیزالله دباغی^۳

چکیده

مقاله حاضر کوشیده ساختارهای واژه-دستوری استفاده‌شده توسط اساتید دانشگاه برای پررنگ کردن نکات مهم ارائه‌های علمی فارسی را بررسی نماید. در این مقاله به این ساختارها نشانگرهای اهمیت اطلاق می‌گردد. بررسی ۶۰ رونوشت از ارائه‌های حقیقی فارسی مستخرج از پیکره سخن با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی و مبتنی بر یک رویکرد پیکره-محور صورت پذیرفت. نتایج نشان داد، می‌توان با استفاده از صفات ارزیابی و اسامی فرازبانی، ربط دادن مطالب به امتحان و دخیل کردن ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه، مطالب مهم را پررنگ نمود. این برجسته‌سازی را می‌توان با استفاده از ساختارهای خاصی که در یکی از پنج گروه «اسمی»، «فعلی»، «صفتی»، «فیدی» و «گوناگون» قرار می‌گیرند انجام داد. همچنین نتایج نشان داد، ربط دادن ارائه به مخاطب یا ارائه‌دهنده، با استفاده از الگوهای فعلی، حتی مهم‌تر از استفاده از روش‌های مستقیم برجسته‌سازی نکات مهم همچون صفات ارزیابی است. درنهایت، نتایج نشان داد، ساختارهای نشانگر اهمیت پس مرجع به خاطر اینکه مخاطب را قادر می‌کنند از قبل برای پردازش و یادداشت‌برداری مطالب مهم برنامه‌ریزی کند، پرشمارتر هستند.

کلیدواژه‌ها: پررنگ کردن نکات مهم، ساختارهای واژه-دستور، پیکره، ارائه علمی فارسی

۱ دانشجوی دکتری گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، خیابان هزارجریب، اصفهان، ایران، javadzare@gmail.com
09151744413

۲ دانشیار، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، خیابان هزارجریب، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)
abbaseslamirasekh@gmail.com

۳ استادیار، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، خیابان هزارجریب، اصفهان، ایران، dabaghi@fgn.ui.ac.ir

۱. مقدمه

بیشتر از چهار دهه است که در آموزش زبان انگلیسی تحول بزرگی صورت گرفته است. بعد از معرفی «انگلیسی برای اهداف ویژه»^۴، اهداف زبان‌آموزها از یادگیری زبان اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد، به طوری که حوزه‌هایی همچون «انگلیسی برای تجارت»^۵ و «انگلیسی برای دانشگاه»^۶ پدیدار شد. در دوره‌های آموزشی و پژوهش‌های مرتبط با «انگلیسی برای دانشگاه»، تنها نیازهای زبان‌آموزان برای گذراندن امور دانشگاهی همچون شرکت در کلاس‌ها و انجام تکالیف مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است تمرکز بر این نیازها سبب تولید مواد آموزشی مؤثر و سهولت در یادگیری شده است. این در حالی است که حوزه‌هایی همچون «فارسی برای دانشگاه» باهدف خاص شدن آموزش زبان فارسی هنوز ایجاد نشده است. این پژوهش را می‌توان در این حوزه گنجانده.

گوش دادن به ارائه‌های علمی^۷ یکی از کارهایی است که هر دانشجو در جلسه‌های درسی دانشگاه با آن درگیر است. در طی یک ارائه علمی، دانشجویان بایستی در ارائه شرکت کرده و بسیاری از اطلاعات شفاهی و بصری ارائه‌شده را پردازش کرده و نکات مهم را یادداشت نمایند. از آنجایی که دانش به دست آمده از این ارائه‌ها بخش اساسی ارزیابی‌های پایان‌ترم و در نتیجه، موفقیت تحصیلی را تشکیل می‌دهد، مهم است اطمینان حاصل شود که دانشجویان حداقل نکاتی را که استاد در ارائه خود مهم می‌داند، درک کرده و یادداشت کنند. از این رو، آنچه منجر به درک مفید ارائه می‌شود، توانایی تشخیص نکات مهم از اطلاعات بی‌اهمیت است (فلاوردو، ۱۹۹۴؛ مالیگان و کرک پاتریک، ۲۰۰۰).

آنچه درک ارائه را برای مخاطب دشوار می‌سازد، نداشتن کنترل بر روی ارائه‌دهنده است (لینچ، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، لینچ (۲۰۰۴) خاطرنشان می‌کند که گوش دادن به ارائه و یادداشت‌برداری هم‌زمان آن را چالش‌برانگیز می‌کند. لینچ (۲۰۰۴) بر این باور است که هم کسانی که زبان ارائه زبان مادری‌شان است و هم آن‌هایی که زبانی به جز زبان ارائه را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کنند در تشخیص نکته‌های اصلی ارائه‌ها دچار مشکل می‌شوند (لینچ، ۲۰۰۴). البته، به دلیل وجود شکاف در دانش شماتیک و موقعیتی^۸ و آشنا نبودن با سبک و ساختار ارائه‌ها در زبان‌های دیگر (دیروی، ۲۰۱۳)، وخامت این مشکل بیشتر برای کسانی است که زبان مادری‌شان زبانی به جز زبان ارائه است.

تحقیقات نشان می‌دهد که ساختارهای سازمان دهنده کلام^۹ بر درک ارائه، یادداشت‌برداری و به یاد آوردن مطالب توسط مخاطبان تأثیر مثبت دارد (بیورکمن، ۲۰۱۱؛ دیکریکو و نتینگر، ۱۹۸۸؛ جانگ، ۲۰۰۳؛ کیورا، ۲۰۰۲؛ لینچ، ۱۹۹۴؛ تیتسورث و کیورا، ۲۰۰۴). ساختارهای واژه-دستوری^{۱۰} که مخاطبان را به بخش‌های مهم ارائه سوق می‌دهند (همچون، *یادمان باشد* که داریم درباره اسامی خاص صحبت می‌کنیم، فقط به نکته مهم/ینجاست که) نیز به عنوان یکی از انواع ساختارهای سازمان دهنده کلام مفید است. مکچی (۱۹۹۴) خاطرنشان می‌کند، دانشجویان در گوش دادن به یک ارائه به دنبال کلمات یا عبارات خاصی هستند که آن‌ها را به نکات مهم سوق می‌دهند. این کلمات یا عبارات، نشانگر اهمیت^{۱۱} نامیده می‌شود. نشانگرهای اهمیت به ساختارهای واژه-دستوری اطلاق می‌گردد که اهمیت و یا ارتباط نسبی نکاتی که به طور شفاهی یا بصری ارائه می‌گردد را به صورت آشکار نشان

⁴ English for specific purposes

⁵ English for business purposes

⁶ English for academic purposes

⁷ academic lectures

⁸ schematic local contextual knowledge

⁹ discourse organizational expressions

¹⁰ lexicogrammatical

¹¹ importance or relevance marker

می‌دهند (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲). به‌عنوان الگوهای فرا کلامی^{۱۲} با ویژگی تعاملی^{۱۳} کلام ارائه^{۱۴}، این ساختارها نیاز مخاطبان را برای تشخیص نکات مهم از اطلاعات کم‌اهمیت برآورده می‌کنند. بر اساس هانستون (۱۹۹۴)، نشانگرهای اهمیت از چهار ویژگی برخوردار هستند: (۱) پیش‌مرجع^{۱۵} یا پس‌مرجع^{۱۶} هستند، (۲) آشکارا اهمیت را نشان می‌دهند، (۳) کلام^{۱۷} را ارزیابی می‌کنند، پس فرا کلامی^{۱۸} هستند و (۴) نقش مهم در سازمان دادن کلام^{۱۹} دارند. آنچه مهم است این است که ارائه‌دهنده با ایجاد یک سلسله‌مراتب از میزان اهمیت^{۲۰} نکات ارائه، کلام را سازمان‌دهی نموده و نگرش خود را بر مبنای یک پارامتر اهمیت^{۲۱} بیان می‌کند. در برجسته کردن نکات، تمرکز بر پدیده‌های کلامی^{۲۲} است تا پدیده‌های جهان بیرون^{۲۳}. همان‌طور که هانستون (۲۰۰۰) خاطر نشان می‌کند، در برجسته کردن نکات ارائه‌دهنده به‌عنوان سازنده متن^{۲۴} عمل می‌کند تا اطلاع‌دهنده^{۲۵}.

با توجه به مفید بودن این ساختارها برای دانشجویانی که فارسی زبان مادری‌شان نیست، می‌توان با طراحی دوره‌های آموزشی فارسی برای اهداف دانشگاهی، پاسخگوی این نیازهای ارتباطی خاص آن‌ها در ارائه‌های درسی بود. با این وجود، اطلاعات کمی درباره این ساختارهای کلامی استفاده‌شده برای نشان دادن نکات مهم ارائه‌ها موجود است. در حالی که مطالعات اندکی به‌طور خاص پیرامون این ساختارهای واژه-دستوری در ارائه‌های انگلیسی انجام شده است (همچون، کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷؛ دیروی، ۲۰۱۵؛ دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، هیچ تحقیقی تاکنون این ساختارها را در ارائه‌های علمی فارسی مورد بررسی قرار نداده است.

دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) ساختارهای واژه-دستوری استفاده‌شده به‌منظور برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های انگلیسی را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، دیروی و تاورنیرز ۱۶۰ ارائه علمی از پیکره بیس^{۲۶} را بررسی کردند. نتایج تجزیه و تحلیل روش ترکیبی این تحقیق نشان داد که این ساختارها متشکل از ترکیب‌های گوناگون صفت، اسم و یا ساختارهای فعلی و قیدی می‌باشند. در این میان، ساختار فعلی «فعل - جمله‌واره»^{۲۷} (همچون، به یاد داشته باشید برده‌داری در حال حاضر منسوخ است) و ساختار اسمی «اسم - فعل ربطی»^{۲۸} (همچون، نکته / این است که) به ترتیب اولین و دومین ساختار از نظر کاربرد بودند.

در پژوهشی دیگر، دیروی (۲۰۱۵) این ساختارها را در ارائه‌های انگلیسی از لحاظ جهت‌گیری به دو دسته تعاملی^{۲۹} و متنی^{۳۰} تقسیم نمود. این ساختارها با استفاده از روش پیکره-محور از پیکره بیس استخراج شد. دیروی دریافت که این ساختارها با

¹² metadiscursive expressions

¹³ interactive

¹⁴ lecture discourse

¹⁵ retrospective

¹⁶ prospective

¹⁷ discourse

¹⁸ metadiscursive

¹⁹ discourse organization

²⁰ hierarchy of importance

²¹ parameter of importance

²² discourse entities

²³ world entities

²⁴ text constructor

²⁵ informer

²⁶ BASE

²⁷ 'V - clause'

²⁸ MN v-link

²⁹ interactive

³⁰ textual

جهت گیری های محتوا، مخاطب، ارائه دهنده و مشترک به ترتیب دارای الگوهای «اسم - فعل ربطی»^{۳۱}، «فعل - اسم/جمله وار»^{۳۲}، «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله وار»^{۳۳} و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله وار»^{۳۴} می باشند. دیروزی همچنین به این نتیجه رسید که نشانگرهای اهمیت نکات با جهت گیری های پس مرجع^{۳۵}، پیش مرجع^{۳۶} و مشترک به ترتیب از ساختارهای «فعل - اسم/جمله وار»^{۳۷} و «اسم - فعل ربطی»^{۳۸}، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت»^{۳۹}، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - اسم»^{۴۰} و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^{۴۱} و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله وار»^{۴۲} و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^{۴۳} پیروی می کنند. علاوه بر این، دیروزی دریافت که اکثر این ساختارها به محتوا (به عنوان مثال، نکته / این است که) و یا مخاطبان (همچون، به یاد داشته باشید که) و نه ارائه دهنده (به عنوان مثال، تأکید می کنم) و یا ارائه دهنده و مخاطبان به طور هم-زمان (مثلاً، می خواهم توجه کنید که) اشاره می کنند. علاوه بر این، بسیاری از نشانگرهای متن گرا یا محتوا گرا^{۴۴} گرایش ثانویه به شنونده دارند (همچون، این چیزهایی است که باید به خانه ببرید). پیرامون جهت گیری های متن گرا، نشانگرها به طور معمول قبل از نکته برجسته شده یافت شدند.

کرافورد کمیسیوتلی (۲۰۰۴، ۲۰۰۷) با بررسی یک پیکره کوچک متشکل از ۱۲ ارائه انگلیسی پیرامون مطالعات بازرگانی و همچنین ۱۰ ارائه از پیکره مایکیس^{۴۵} در رشته های مختلف، به شش ساختار پیش مرجع و شش ساختار پس مرجع برای نشانگر-های اهمیت یا ارتباط با ترکیبات مختلفی از اسامی اشاره، صفات ارتباط، اسم های فرازبانی و فعل ربطی «is» پی برد. در بین ساختارهای پیش مرجع، «ضمیر اشاره - فعل - صفت»^{۴۶} (مثلاً، این مهم است) و از میان ساختارهای پس مرجع، «ادات معرفه - صفت - اسم - فعل»^{۴۷} (مانند، نکته ای اصلی این است که) از دیگر ساختارها پرتکرارتر بودند. به طور کلی، ساختارهای پس مرجع بسیار پرشمارتر از ساختارهای پیش مرجع بودند.

با توجه به نقش مثبت این ساختارهای سازمان دهنده کلام در درک بهتر ارائه های علمی، پژوهش هایی از این قبیل از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. هدف از انجام این پژوهش اکتشافی^{۴۸}، بررسی ساختارهای واژه-دستوری است که اساتید دانشگاه برای برجسته کردن نکات مهم در ارائه های علمی فارسی استفاده می کنند.

۲. روش تحقیق

31 MN v-link
32 V n/clause
33 1s pers pron V n/clause
34 1s pers pron V n/clause
35 prospective
36 retrospective
37 V n/clause
38 MN v-link
39 deic v-link ADJ
40 deic v-link MN
41 deic v-link adj MN
42 1s pers pron V n/clause
43 deic v-link adj MN
44 textual
45 MICASE
46 DEIC IS ADJ
47 DET ADJ META N IS
48 exploratory

در مطالعه حاضر از پیکره فارسی سخن^{۴۹} استفاده شد. سخن متشکل از ۶۰ ارائه حقیقی^{۵۰} علمی است که از سه گروه رشته-ای مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه (۲۰ سخنرانی از هر گروه) ساخته شده است. این سخنرانی‌ها همه به زبان فارسی بوده و عمدتاً توسط اساتید دانشگاه مرد که زبان فارسی زبان مادری‌شان است ارائه شده‌اند.

در انجام این پژوهش از روش تحقیق ترکیبی^{۵۱} استفاده شد. نوع طراحی این مطالعه اکتشافی (لودیکو، اسپالدینگ و وگتل، ۲۰۰۶) بود. ضمناً، شیوه انجام این تحقیق مبتنی بر روش پیکره-محور^{۵۲} بوده است. ابتدا، یک زیر پیکره متشکل از ۱۵ ارائه (پنج ارائه از هر گروه رشته‌ای) از پیکره سخن ساخته شد. سپس به منظور پیدا کردن ساختارهای احتمالی برجسته کردن نکات مهم، رونوشت^{۵۳} این ارائه‌ها به‌دقت مطالعه گردید. شایان ذکر است تنها عبارتی که پدیده‌های کلامی را برجسته می‌کردند بررسی شدند. نمونه‌هایی که مشخص نبود نکته برجسته شده پدیده کلامی است یا مربوط به جهان بیرون در نظر گرفته نشدند (۱). همچنین نقل قول‌ها و نمونه‌هایی که کلام دانشجو و یا شخص ثالث را شامل می‌شدند نادیده گرفته شدند (۲).

(۱) بنابراین این مهمه که این منشأ آب و بینیم

(۲) به نکته‌ای که اونا اشاره می‌کنن اینه که

سپس از نرم‌افزار ورداسمیت^{۵۴} (اسکات، ۲۰۱۵) برای ایجاد فهرست از عباراتی که به نظر می‌رسید برجسته‌ساز نکات مهم هستند استفاده شد. دیگر واژگان و یا عباراتی که نشانگر اهمیت هستند نیز کشف شدند. مترادف‌ها و مشتقات این واژه‌ها به همراه فهرستی از کلمات با بسامد ≤ 50 از پیکره سخن نیز اضافه شد. در نهایت فهرست ایجاد شده توسط نرم‌افزار ورداسمیت به‌طور مستقل توسط نویسندگان این مقاله بررسی شدند تا مشخص شود آیا آن‌ها به‌عنوان نشانگر اهمیت عمل می‌کنند یا نه. در مجموع ۲۹۳ نمونه از این ساختارها یافت شد.

در حالی که برجسته کردن نکات مهم با استفاده از شیوه‌های دیگر همچون تکرار (بیورکمن، ۲۰۱۱؛ صالح زاده، ۲۰۰۶)، توقف در صحبت^{۵۵} (فیلد، ۲۰۱۱)، آهنگ^{۵۶} (فیلد، ۲۰۱۱)، تکیه و سرعت گفتار^{۵۷} (لینچ، ۲۰۰۴؛ نسی، ۲۰۰۱)، حالت بدن، نگاه خیره و حرکت اندام^{۵۸} (فیلد، ۲۰۱۱؛ فلاوردو و میلر، ۱۹۹۷) و جزوات و اسلاید (آدامز، ۲۰۰۶؛ فیلد، ۲۰۱۱؛ اشلیف، ۲۰۰۸) نیز امکان‌پذیر است، برای انجام پذیر بودن این مطالعه، نشانگرهای بصری، غیرشفاهی و عروضی^{۵۹} نادیده گرفته شدند.

۳. نتایج و بحث

با استفاده از نرم‌افزار ورداسمیت، ۲۹۳ نمونه نشانگرهای اهمیتی که از پیکره سخن استخراج شده بودند تجزیه شده و بر اساس عنصر اصلی عبارات (اسم، فعل، صفت و قید) طبقه‌بندی شدند. در نتیجه این تحلیل، چهار گروه «اسمی»، «فعلی»، «صفتی» و «قیدی» پدیدار شد. برای رسیدن به دسته‌بندی‌های کلی و مدیریت تعداد گروه‌ها، برخی از عناصر جملات همچون پس

^{۴۹} رونوشت‌های استفاده شده در این مقاله برگرفته از پیکره فارسی سخن است که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو توسعه یافت. ساخت این پیکره با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین صورت پذیرفت.

^{۵۰} authentic

^{۵۱} Mixed-methods

^{۵۲} corpus-driven

^{۵۳} transcript

^{۵۴} WordSmith

^{۵۵} pausing

^{۵۶} intonation

^{۵۷} stress and speech rate

^{۵۸} gesture, eye gaze and body movement

^{۵۹} prosodic

توصیف^{۶۰} (به عنوان مثال، ایده اصلی تو/این اینه که، یه نکته‌ای که بدیهیه اینه که، نکته‌ای که من می‌خوام/اینجا دقت کنید اینه که) و حذف ادات معرفه و نکره ساز نادیده گرفته شدند. در این روش (۳)، (۴)، (۵) و (۶) همگی در گروه «اسمی» قرار گرفتند.

(۳) نکته اینه که

(۴) ایده اصلی تو این اینه که

(۵) یه نکته‌ای که بدیهیه اینه که

(۶) نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید اینه که

ساختارهایی نیز وجود داشتند که در هیچ‌یک از چهار گروه اصلی «اسمی»، «فعلی»، «صفتی» و «قیدی» قرار نگرفتند. به همین خاطر، یک گروه دیگر متشکل از این ساختارها با عنوان «گوناگون» تشکیل شد. بدین ترتیب، نشانگرهای اهمیت نکات ارائه شده در سخنرانی‌های علمی فارسی به پنج گروه «اسمی»، «فعلی»، «صفتی»، «قیدی» و «گوناگون» تقسیم شدند.

۳,۱ ساختارهای اسمی

ساختارهای اسمی نشانگر اهمیت آن دسته از ساختارهایی هستند که در آن از یک اسم فرازبانی^{۶۱} برای نشان دادن اهمیت اطلاعات ارائه شده در سخنرانی استفاده می‌شود. اسامی فرازبانی استفاده شده در ارائه‌های فارسی عبارتند از: نکته، سؤال، ایده، مسئله، مطلب، تأکید و واقع مطلب. از این میان، پرشمارترین، «نکته» بود (۱۰۵ بار). با توجه به اینکه از این کلمه برای بیان مطالب اصلی و مهم به صورت خلاصه استفاده می‌شود، پرتکرار بودن آن قابل توجیه است. قابل ذکر است این اسامی متعاقباً با قید و صفت (۷) و یا یک جمله‌واره (۸) توصیف می‌شود.

(۷) بحث اساسی ما

(۸) یه چیزی که باید دقت بکنین اینه که

جدول ۱ بسامد ساختارهای اسمی را در پیکره سخن نمایش می‌دهد. در ادامه شش الگوی پیداشده برای نشانگرهای اهمیت اسمی به تفصیل شرح داده می‌شود.

جدول ۱: توزیع نشانگرهای اهمیت اسمی

ساختارهای اسمی	بسامد	درصد
اسم - (صفت)	۱۶	۵,۶
ضمیر اشاره - اسم - (صفت)	۹	۳
ضمیر اشاره - اسم - فعل ربطی - جمله‌واره	۲	۰,۷
اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی - جمله‌واره	۶۸	۲۳,۴
شمار - اسم - (صفت) - فعل (وجود دارد) - جمله‌واره	۱۴	۴,۸
ادات نکره - اسم - فعل	۳	۱
مجموع	۱۱۲	۳۸,۵

(۳,۱,۱) اسم - (صفت)

⁶⁰ postmodification

⁶¹ metalinguistic noun

مهم‌ترین بخش این ساختار یک اسم فرازبانی است که کار برجسته‌سازی نکات مهم را انجام می‌دهد. از لحاظ موقعیت نشانگر اهمیت، این ساختار پس مرجع است. بدین معنی که نشانگر اهمیت قبل از نکات مهم بیان می‌شود. از جمله اسامی فرازبانی مورد استفاده در این ساختار می‌توان به «نکته» و «بحث» اشاره نمود. جالب است بدانیم این ساختار که دومین ساختار اسمی پرتکرار (۵,۶٪) برای برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های فارسی است، در انگلیسی یافت نشده است (کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۴؛ دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲). این ساختار پرشمار تنها یک عبارت ساده است همچون (۹) و (۱۰) که بیان اطلاعات مهم در جمله بعدی را اعلان می‌کند. با توجه به موقعیت نکات مهم در این ساختار (پس مرجع)، این امکان به مخاطب داده می‌شود تا با آگاهی از بیان نکات مهم در جمله بعدی خود را برای گوش دادن و یادداشت‌برداری آن‌ها آماده کند.

(۹) نکته

(۱۰) نکته سوم

۳,۱,۲ ضمیر اشاره - اسم - (صفت)

آنچه این ساختار را از ساختار قبلی متمایز می‌کند وجود یک ضمیر اشاره (همچون، این) در ابتدای این ساختار است. وجود این ضمیر اشاره این ساختار را پیش مرجع می‌کند. بدین صورت که نکات مهم قبل‌تر از این ضمیر در سخنرانی بیان شده و با این ضمیر جمع‌بندی می‌شود؛ بنابراین، تفسیر مرجع این ضمیر برای کشف نکات مهم از اهمیت بسزایی برخوردار است. شایان ذکر است تنها اسم فرازبانی استفاده‌شده در این ساختار «نکته» است (۱۱ و ۱۲).

(۱۱) خب، این نکته اول

(۱۲) این یه نکته

۳,۱,۳ ضمیر اشاره - اسم - فعل ربطی - جمله‌واره

در مقایسه با سخنرانی‌های علمی انگلیسی در تحقیق دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) (۸,۱٪)، این ساختار به‌ندرت در ارائه‌های علمی فارسی یافت شد (۰,۷٪). همچون ساختار قبلی، این ساختار نیز به خاطر وجود «این» یک ساختار پیش مرجع است (۱۳). قابل توجه است در ساختارهایی این چنین، به خاطر این که نکات مهم قبل از نشانگر اهمیت در ارائه بیان می‌شود تشخیص و یادداشت‌برداری نکات مهم دشوار است.

(۱۳) پس این نکته‌ای که تا اینجا مطرح شد

۳,۱,۴ اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی - جمله‌واره

در بیشتر موارد، این ساختار از یک اسم فرازبانی، فعل ربطی و یک جمله‌واره تشکیل می‌شود. با توجه به پس مرجع بودن این ساختار، همچون سخنرانی‌های انگلیسی (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، دو جایگاه برای بیان نکات مهم وجود دارد: (۱) نکات مهم در قالب یک جمله‌واره در همان جمله‌ای که نشانگر اهمیت وجود دارد بیان می‌شوند (۱۴)، یا (۲) با استفاده از یک ضمیر اشاره جمع‌بندی شده و به صورت کامل در جمله بعدی ارائه می‌شود (۱۵). برجسته کردن نکات مهم بدین شکل به مخاطبان ارائه کمک می‌کند تا از قبل خود را برای پردازش و یادداشت‌برداری این نکات آماده کنند. همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، همچون ارائه‌های انگلیسی (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، این ساختار پرشمارترین ساختار برجسته‌سازی نکات مهم ارائه بود. پرتکرار بودن این ساختار را هم می‌توان به الگوی ساده آن که متشکل از یک اسم و فعل ربطی در بیشتر موارد است و نیز به پس مرجع بودنش ربط داد.

(۱۴) نکته اصلی اینه که

۳,۱,۵ شمار - اسم - (صفت) - فعل (وجود دارد) - جمله‌واره

این ساختار بجای فعل ربطی از فعل «وجود دارد» یا «هست» استفاده می‌کند. در این ساختار، مطالب مهم در جمله بعد از نشانگر اهمیت بیان می‌شود؛ بنابراین، این ساختار نیز پس مرجع بوده و همچون ساختار قبلی برای مخاطبان ارائه در تشخیص نکات مهم مطلوب است.

(۱۶) دو تا نکته وجود داره من باید به شما بگم.

۳,۱,۶ ادات نکره - اسم - فعل

چیزی که این ساختار را از ساختار قبلی متمایز می‌کند این است که فعل‌هایی که در این ساختار استفاده می‌شوند جهت‌گیری به ارائه‌دهنده یا مخاطب دارند (۱۷)، درحالی‌که در ساختار قبلی جهت‌گیری فعل (۱۶) متنی^{۶۲} و کلامی^{۶۳} بود. فعل - های مورد استفاده در این ساختار «گفتن» و «توضیح دادن» است.

(۱۷) یه نکته رو توضیح بدم

۳,۲ ساختارهای فعلی

ساختارهای فعلی نشانگر اهمیت ساختارهایی هستند که در آن از یک فعل برای برجسته کردن مطالب مهم در سخنرانی‌های علمی استفاده می‌شود. به‌طور کلی دو گروه فعل در این نوع ساختارها استفاده می‌شوند: (۱) فعل‌های ذهنی (۲) فعل‌های تأکیدی. فعل‌های ذهنی معمولاً با فرایندهای حافظه (همچون، یادتان نرود، به ذهن بسپارید و حفظ کنید)، جلب توجه (همچون، توجه کنید) و یا الزام یادگیری برخی مطالب (همچون، بدانید، یاد بگیرید و یادداشت بردارید) ارتباط دارند. افعال تأکیدی فعل‌هایی هستند که برای بیان و یا تأکید نکات استفاده می‌شوند. در این مطالعه، به خاطر اینکه این افعال بیشتر برای تأکید (مثل، در پرتز گفتن و تأکید کردن) و نه صرفاً بیان نکات (همچون، اشاره کردن، گفتن و بیان کردن) استفاده شدند، افعال تأکیدی نامیده شدند. در این میان، فعل‌های ذهنی جلب توجه پرشمارتر از سایر افعال بودند (۷۹ بار). در ساختارهای فعلی، فعل بیشتر با ضمیر اول و دوم شخص و به‌ندرت با ضمیر سوم شخص (۱۸) همراه بودند.

(۱۸) تاکید می‌شه که

نکته حائز اهمیت پیرامون ساختارهای فعلی نشانگر اهمیت این است که همه این ساختارها پس مرجع هستند. در همه نمونه‌های این ساختار، مطالب مهم پس از نشانگر اهمیت بیان می‌شود (۱۸ و ۱۹)؛ بنابراین، قبل از بیان مطالب مهم، به مخاطب اعلام می‌کنند نکاتی که قرار است ذکر شود مهم است و نیاز به توجه، به ذهن سپاری و یا یادداشت‌برداری دارد.

(۱۹) دقت کنید! من نمی‌خوام بگم

جدول ۲ بسامد ساختارهای فعلی استخراج شده از پیکره سخن را نمایش می‌دهد. در ادامه این بخش، این ساختارها به تفصیل

شرح داده می‌شود.

جدول ۲: توزیع نشانگرهای اهمیت فعلی

ساختارهای فعلی	بسامد	درصد
فعل - جمله‌واره	۱۱۱	۳۷,۹

⁶² textual

⁶³ discursive

۵,۸	۱۷	ضمیر اول/دوم شخص - فعل - جمله‌واره
۰,۳	۱	فعل مجهول - جمله‌واره
۴۴	۱۲۹	مجموع

۳,۲,۱ فعل - جمله‌واره

این ساختار بسیار ساده اصولاً از یک فعل و یک مکمل تشکیل می‌شود. فعل‌های استفاده‌شده در این ساختار عموماً ذهنی هستند. این افعال عبارت‌اند از «به خاطر بسپارید»، «توجه کنید»، «دقت کنید»، «دور شو خط بکشید»، «یاد بگیرید»، «بفهمید»، «بدانید»، «یادداشت کنید» و مترادف‌هایشان. جالب است بدانیم کلیه افعال استفاده‌شده در این ساختار به نحوی مخاطب را در فرایند کلامی درگیر می‌کنند. در این ساختار یک ضمیر اشاره (همچون،/ین) (۲۰) یا جمله‌واره (۲۱) نقش مکمل را ایفا می‌کند. ساختار «فعل - جمله‌واره» یا به‌طور ساده «فعل» پرشمارترین ساختار فعلی و نیز همه نشانگرهای اهمیت است (۳۷,۹٪). جالب است بدانیم، در ارائه‌های علمی انگلیسی نیز همین ساختار بیشترین کاربرد را دارا است (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲). این پرشماری را می‌توان به دو دلیل دانست. اولاً، الگوی ساده این ساختار آن را یک روش ساده و مطلوب برای برجسته کردن نکات مهم می‌کند. دوماً، افعال ذهنی استفاده‌شده در این ساختار تعاملی بوده و با درگیر کردن مخاطب، توجه او را به بخش‌هایی خاص از ارائه جلب می‌کند.

(۲۰) دقت کنید این و

(۲۱) حواستون هست من اینجا دارم در مورد

۳,۲,۲ ضمیر اول/دوم شخص - فعل - جمله‌واره

همان‌طور که الگو نشان می‌دهد، در این ساختار یا ارائه‌دهنده (۲۲) و یا مخاطب ارائه (۲۳) در کلام درگیر است. این خود نقش مهمی در برجسته نشان دادن مطالبی که قرار است ذکر شوند دارد. شاید به همین خاطر است که همچون ارائه‌های انگلیسی (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، این ساختار دومین ساختار پرتکرار فعلی در ارائه‌های فارسی بود. فعل‌های استفاده‌شده در این ساختار عموماً ذهنی یا تأکیدی هستند.

(۲۲) خیلی می‌خوام تأکید کنم که

(۲۳) باید بدونید که

۳,۲,۳ فعل مجهول - جمله‌واره

در این الگو از یک فعل مجهول برای نشان دادن اهمیت مطالب استفاده می‌شود (۲۴). نکات مهم نیز در قالب یک جمله‌واره بیان می‌شود. همان‌طور که جدول ۲ نمایش می‌دهد، در مقایسه با دو ساختار قبلی، این ساختار خیلی کم تکرار (۰,۳٪) بوده است. تفاوت بارزی که این ساختار را از دو ساختار گذشته متمایز می‌کند، استفاده از فعل مجهول است. به‌عبارت‌دیگر، کم شمار بودن این ساختار را به این نکته ربط داد که افعال استفاده‌شده در این ساختار نه ارائه‌دهنده و نه مخاطب را در فرایند کلامی درگیر می‌کنند.

(۲۴) تأکید می‌شه

۳,۳ ساختارهای صفتی

ساختارهای صفتی نشانگر اهمیت ساختارهایی هستند که به طور عمده در آنها از یک صفت ارزیابی^{۶۴} برای برجسته کردن مطالب مهم استفاده می شود. صفت های استخراج شده از پیکره سخن عبارت اند از: «مهم»، «خوب»، «اساسی»، «اصلی»، «عمده»، «جالب»، «قابل ملاحظه»، «کلیدی»، «ریشه ای»، «ضروری» و «مقدماتی». به جز صفت های «مهم» و «ضروری» که میزان اهمیت مطالب را ارزیابی می کنند، دیگر صفت ها همچون «جالب» نیز در ساختارهایی همچون (۲۵) این کار را انجام می دهند. در این نمونه، علاوه بر صفت از عناصر دیگر نیز برای برجسته کردن مطالب استفاده می شود. هم سو با یافته های بایبر، جوانسون، لیچ، کانراد و فینگان (۱۹۹۹) و سویلز و برک (۲۰۰۳) که صفت «مهم» را از صفات پر کاربرد نشر علمی یافتند، در ارائه های علمی فارسی نیز «مهم» پرشمارترین صفت بود (۲۹ بار). در ضمن، ساختارهای صفتی نشانگر اهمیت از نظر موقعیت نشانگر، هم پس مرجع (۲۵) و هم پیش مرجع (۲۶) می باشند.

(۲۵) جالب /ینه که بدونید

(۲۶) این نکته مهمه.

جدول ۳ بسامد ساختارهای صفتی استخراج شده از پیکره سخن را نمایش می دهد. در ادامه، این ساختارها به تفصیل شرح داده می شود.

جدول ۳: توزیع نشانگرهای اهمیت صفتی

ساختارهای صفتی	بسامد	درصد
ضمیر اشاره - صفت - فعل ربطی	۲	۰,۷
ضمیر اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی	۷	۲,۳
صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی	۱۲	۴
صفت اشاره - اسم - اسم - صفت - فعل ربطی	۳	۱
صفت - فعل ربطی - جمله وار	۵	۱,۷
چیزی (اسم) که - صفت - فعل ربطی - جمله وار	۷	۲,۳
مجموع	۳۶	۱۲

۳,۳,۱ ضمیر اشاره - صفت - فعل ربطی

در این ساختار نکات مهم پیش از نشانگر اهمیت بیان می شود. این نکات در یک ضمیر اشاره (همچون، /ین) جمع بندی می شود. ارزیابی اهمیت مطالب در این ساختار با استفاده از یک صفت انجام می شود (۲۷). اگرچه این ساختار بسیار ساده است، اما در استفاده بسیار کم شمار بوده است (۰,۷٪).

(۲۷) این خیلی مهمه

۳,۳,۲ ضمیر اشاره - ادات نکره - اسم - صفت - فعل ربطی

نکته ای که این ساختار را از ساختار قبلی متمایز می کند، وجود یک اسم فرازبانی است. در اینجا مطالب مهم قبلاً ارائه شده با استفاده از یک ضمیر اشاره و این اسم فرازبانی جمع بندی می شود (۲۸). اسامی فرازبانی استفاده شده در ساختارهای صفتی با این

⁶⁴ evaluative adjective

اسامی در ساختارهای اسمی و فعلی تفاوتی ندارند. حضور یک اسم فرازبانی و صفت ارزیابی در کنار یکدیگر به مخاطب کمک می‌کند به راحتی این ساختار را به عنوان یک نشانگر اهمیت شناسایی کند.

(۲۸) این مطلب، مهمیه

۳,۳,۳ صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی

این ساختار نیز شبیه ساختار قبلی است و از اسم فرازبانی و صفت ارزیابی به طور هم‌زمان برای برجسته کردن مطالب مهم استفاده می‌کند (۲۹)، با این تفاوت که کلمه اشاره در اینجا نقش صفتی دارد و اسم فرازبانی معرفه است. در مقایسه با ساختار قبلی، این ساختار پرتکرارتر است (۴٪). اینجا هم نکات مهم قبل از نشانگر اهمیت بیان شده است.

(۲۹) این نکته مهمه

۳,۳,۴ صفت اشاره - اسم - اسم - صفت - فعل ربطی

این ساختار شکل تکمیل شده سه ساختار قبلی است (۳۰). اگرچه حضور دو اسم فرازبانی و یک صفت ارزیابی شناسایی آن را به عنوان یک نشانگر اهمیت برای مخاطب آسان می‌کند، همچون سه ساختار قبلی، این ساختار نیز دارای دو نقص زیر است. اولاً، پیش مرجع بودن آن باعث می‌شود مخاطب نتواند برای توجه و یا نکته برداری مطالب مهم از قبل برنامه‌ریزی کند، چراکه این نکات قبلاً بیان شده‌اند. دوماً، تشخیص مرجع صفت اشاره (این) که در آن مطالب مهم جمع‌بندی شده‌اند، ممکن است برای مخاطب دشوار باشد.

(۳۰) این سرفصل سرفصل مهمیه

۳,۳,۵ صفت - فعل ربطی - جمله‌واره

این ساختار ساده‌تر از ساختار گذشته است (۳۱)، چراکه بدون مقدمه با یک صفت ارزیابی آغاز شده و به مخاطب اعلام می‌کند مطلب مهمی قرار است بیان شود (پیکاک، ۲۰۱۱). با توجه به این که این ساختار پرشمارترین ساختار صفتی در ارائه‌های انگلیسی است (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، کم تکرار بودن آن (۱,۷٪) تأمل برانگیز است. با این حال این ساختار، به خاطر پس مرجع بودنش، برای مخاطب ارائه بسیار مطلوب است.

(۳۱) مهم اینه که بدونید

۳,۳,۶ چیزی (اسم) که - صفت - فعل ربطی - جمله‌واره

این ساختار یک ساختار شکافته^{۶۵} است (۳۲). به طور معمول، از این ساختار برای تأکید استفاده می‌شود. اهمیت این ساختار به عنوان یک نشانگر اهمیت از این جهت است که اولاً، پس مرجع بوده و اهمیت مطلبی که قرار است بعداً بیان شود را نشان می‌دهد، دوماً، به مخاطب ارائه کمک می‌کند برای توجه کردن و یا یادداشت برداری از قبل برنامه‌ریزی کند.

(۳۲) چیزی که مهمه اینه که

۳,۴ ساختارهای قیدی

ساختارهای قیدی نشانگر اهمیت به ساختارهایی اطلاق می‌شود که از یک قید که نشان‌دهنده میزان اهمیت مطالب بیان شده است در ابتدای عبارت تشکیل می‌شود؛ اما مهم است بدانیم که این ساختارهای قیدی نکات مهم را برجسته می‌کنند نه فقط به خاطر وجود این قید در ابتدای عبارت، بلکه به خاطر اینکه از دیگر عبارات اسمی (۳۳) یا فعلی (۳۴) نیز برای بیان

⁶⁵ cleft

اهمیت مطالب استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، قید به‌تنهایی اهمیت مطالب را نشان نمی‌دهد. موقعیت قید در ارتباط با دیگر عناصر عبارت است که نکات مهم را برجسته می‌کند. به خاطر طبیعت پس مرجعشان، ساختارهای قیدی نیز برای پردازش به‌موقع نکات مفید هستند.

(۳۳) در اصل، نکته اصلی اینه که

(۳۴) فقط باید بدونید که

۳,۵ گوناگون

این گروه دربرگیرنده آن دسته از نشانگرهای اهمیت است که در هیچ‌یک از چهار گروه دیگر قرار نگرفتند. این نمونه‌ها نکاتی را برجسته می‌کنند که احتمال بودنشان در امتحان بسیار زیاد است. اگرچه این گروه برای برجسته کردن مطالب مهم بسیار مفید است، همچون سخنرانی‌های انگلیسی (دیروی و تاورنیز، ۲۰۱۲) خیلی کم تکرار بودند. کم شمار بودن این ساختار را می‌توان به این نکته ربط داد که استفاده مکرر آن در ارائه‌ها ممکن است منجر به نادیده گرفتن سایر مطالب ضروری ارائه شود. به عبارت دیگر، با استفاده بیش‌ازحد از این ساختار، تنها نکات امتحانی در کلاس تدریس شده و سایر مطالب ضروری رشته از جانب ارائه‌دهنده و مخاطب نادیده گرفته می‌شود.

(۳۵) از این سرفصل حتما تو/متحان می‌آد

۳,۶ نشانگرهای اهمیت

جدول ۵ توزیع پنج گروه نشانگرهای اهمیت استخراج‌شده از پیکره سخن را نمایش می‌دهد.

جدول ۴: توزیع نشانگرهای اهمیت

نشانگرهای اهمیت	بسامد	درصد
ساختارهای اسمی	۱۱۲	۳۸,۵
ساختارهای فعلی	۱۲۹	۴۴
ساختارهای صفتی	۳۶	۱۲
ساختارهای قیدی	۴	۱,۵
گوناگون	۱۲	۴
مجموع	۲۹۳	۱۰۰

همان‌طور که جدول ۴ نمایش می‌دهد، الگوهای فعلی و /اسمی به ترتیب ۴۴ و ۳۸,۵ درصد از نشانگرهای اهمیت استخراج‌شده از پیکره سخن را تشکیل دادند. بدین ترتیب، مشابه با نتایج دیروی و تاورنیز (۲۰۱۲) برای ارائه‌های انگلیسی، از پنج گروه اصلی نشانگرهای اهمیت، ساختارهای فعلی و /اسمی به ترتیب پرشمارترین گروه‌ها بودند. دیروی و تاورنیز این پرشماری را به تکرار بودن الگوی فعلی «فعل - جمله‌واره» و ساختار /اسمی «اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی - جمله‌واره» ربط می‌دهند. این یافته برای سخنرانی‌های فارسی نیز درست است. تسلط این الگوها بر سایر ساختارها را می‌توان به این نکته که ارائه‌دهنده‌ها بیشتر تمایل دارند از علائم صریح برجسته کردن نکات مهم استفاده کنند نسبت داد. استفاده از عباراتی همچون «نکته این است که»، «واقع مطلب این است که»، «نکته مهم این است که»، «به این توجه داشته باشید» و «این رو حفظ کنید» به مخاطب می‌فهماند آنچه قرار است بیان شود مهم است.

همسو با یافته‌های دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) برای ارائه‌های انگلیسی، سومین گروه پرتکرار نشانگرهای اهمیت در ارائه‌های فارسی نیز ساختارهای صفتی بودند. با توجه به این نکته که ارزیابی بیشتر با استفاده از صفات تحقق می‌یابد و در نتیجه برای برجسته کردن نکات مهم استفاده از آن‌ها ضروری است (سویلز و برک، ۲۰۰۳)، کم تکرار بودن این گروه از نشانگرهای اهمیت تعجب‌آور است.

استفاده از گروه آخر نشانگرهای اهمیت که مربوط به سؤال‌های امتحان هستند در پیکره سخن (۴٪) کمی بیشتر از پیکره به یس (۱٪) در پژوهش دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) مشاهده شد. در مقابل، ساختارهای قیدی این تحقیق (۱.۵٪) نادرتر از ساختارهای گوناگون (۴٪) بودند. با توجه به ظرفیت قیدها برای بیان ارزیابی نگرشی^{۶۶} (باندی، ۲۰۰۸)، این یافته عجیب به نظر می‌رسد. با این حال، این یافته با نتایج دیروی و تاورنیرز که این را به (۱) این حقیقت که قیدها بیشتر مواضع معرفتی^{۶۷} را بیان می‌کنند تا نگرشی^{۶۸} (بایبر، ۲۰۰۶) و (۲) تغییر دامنه و وضعیت قیدهای موضع^{۶۹} به عنوان نشانگرهای اهمیت نسبت می‌دهند، یکی است.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با این فرض که دانستن این که چگونه نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی با استفاده از الگوهای شفاهی متشکل از واژه و دستور برجسته می‌شود، ممکن است یک تصویر کلی از ساختار ارائه به مخاطب داده و باعث تسهیل در درک، یادداشت‌برداری و به خاطر آوردن مطالب اصلی ارائه شود، انجام شد. با توجه به این واقعیت که در این تحقیق تنها ساختارهای واژه-دستوری شفاهی مورد بررسی قرار گرفت، در حالی که اهمیت نسبی مطالب ارائه را می‌توان با استفاده از روش‌های دیگر همچون تکرار (صالح زاده، ۲۰۰۶)، ویژگی‌های عروضی و غیرشفاهی (براون ۱۹۷۸؛ کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۷؛ فیلد، ۲۰۱۱؛ وارتون، ۲۰۰۹) و جلوه‌های بصری همچون اسلاید (آدامز، ۲۰۰۶؛ فیلد، ۲۰۱۱؛ سربو، وارم، دمیر و گراشا، ۱۹۹۲؛ اشلیف، ۲۰۰۸) نیز بیان نمود، هرگونه نتیجه‌گیری کلی پیرامون جامعیت ساختارهای به دست آمده بایستی اجتناب شود. با این حال، این پژوهش نتایج مهمی را به همراه داشت که شایان ذکر است. اول، جالب است بدانیم که می‌توان با استفاده از صفات ارزیابی و اسامی فرازبانی، ربط دادن مطالب به امتحان و درگیر کردن مخاطبان یا ارائه‌دهنده در ارائه، مطالب مهم یک ارائه علمی را برجسته نمود. دوم، این برجسته‌سازی را می‌توان با استفاده از ساختارهای خاصی که در یکی از پنج دسته «اسمی»، «فعلی»، «صفتی»، «قیدی» و «گوناگون» قرار می‌گیرند انجام داد. سوم، صرف نظر از زبان، انگلیسی (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲) یا فارسی، الگوی «فعل - جمله‌واره» پرتکرارتر از سایر ساختارها است. این را می‌توان این‌طور تفسیر کرد که ربط دادن ارائه به مخاطبان یا ارائه‌دهنده یا دخیل کردن آن‌ها در فرایند کلام^{۷۰} با استفاده از الگوهای فعلی، حتی مهم‌تر از استفاده از روش‌های صریح برجسته‌سازی نکات مهم همچون صفات/ارزیابی است. در نهایت، ساختارهای نشانگر اهمیت پس مرجع به خاطر اینکه مخاطب را قادر می‌کنند از قبل برای پردازش و یادداشت‌برداری مطالب مهم برنامه‌ریزی کند، مطلوب‌تر هستند.

دانش چگونگی پررنگ سازی یا برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی می‌تواند کاربردهای مختلفی داشته باشد. از یک طرف، آگاهی از چگونگی برجسته کردن نکات مهم در یک سبک می‌تواند به چگونگی انجام آن در دیگر سبک‌ها مانند ارائه‌های همایش‌های علمی و مکالمات کمک کند؛ بنابراین، می‌توان با انجام تحقیقات تطبیقی در سبک‌های دیگر بررسی نمود: (۱) آیا

⁶⁶ attitudinal evaluation

⁶⁷ epistemic stance

⁶⁸ attitudinal stance

⁶⁹ stance adverbs

⁷⁰ discourse process

پررنگ کردن مطالب مهم در دیگر سبک‌ها نیز از طریق استفاده از صفات ارزیابی و اسامی فرازبانی، ربط دادن مطالب به امتحان و دخیل کردن شرکت‌کنندگان در ارائه محقق می‌شود؟ (۲) آیا پنج دسته / اسمی، فعلی، صفتی، قیدی و گوناگون نشانگر اهمیت در سایر سبک‌ها موجود است؟ (۳) آیا ساختار «فعل - جمله‌واره» در دیگر سبک‌ها نیز پرشمارترین الگوست؟ از طرف دیگر، با این فرض که آموزش مستقیم این ساختارها برافزایش درک مخاطب از ارائه علمی تأثیر دارد، مدرسان آموزش «فارسی برای اهداف دانشگاهی» ممکن است از این دانش در طراحی مواد آموزشی مؤثر برای دوره‌های گوش دادن به ارائه و شیوه ارائه بهره بگیرند. پژوهشگران حوزه آموزش نیز می‌توانند از این دانش برای بررسی تأثیر این نشانگرها بر روی چگونگی ارائه، درک، یادداشت‌برداری و به یادآوردن در مطالعات تجربی خود استفاده کنند.

روش پیکره-محور این تحقیق باعث محدود شدن دامنه آن شده است. از این رو، بایستی تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود. به نظر می‌رسد در مطالعات آینده ویژگی برجسته کردن نکات مهم در زبان‌های دیگر نیز قابل بررسی است. بایستی پررنگ کردن نکات مهم در دیگر فرهنگ‌های دانشگاهی نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین لازم است بدانیم آیا می‌توان به یک الگوی رشته‌ای از نشانگرهای اهمیت رسید. در نهایت، به نظر می‌رسد بررسی مقطع دانشگاهی و تأثیر آن بر چگونگی پررنگ کردن نکات مهم نتایج جالبی را در بر داشته باشد.

- Adams, C. (2006). Powerpoint, the habits of mind, and classroom culture. *Journal of Curriculum Studies*, 38(4), 389–411. doi: 10.1080/00220270600579141
- Biber, D. (2006). Stance in spoken and written university registers. *Journal of English for Academic Purposes*, 5(2), 97–116. doi: 10.1016/j.jeap.2006.05.001
- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *The Longman grammar of spoken and written English*. London: Longman.
- Björkman, B. (2011). The pragmatics of English as a lingua franca in the international university: Introduction. *Journal of Pragmatics*, 43(4), 923–925. doi: 10.1016/j.pragma.2010.08.015
- Bondi, M. (2008). Emphatics in academic discourse: Integrating corpus and discourse tools in the study of cross-disciplinary variation. In A. Ädel & R. Reppen (Eds.), *Corpora and discourse: The challenges of different settings* (pp. 31–55). Amsterdam: John Benjamins.
- Brown, G. (1978). *Lecturing and explaining*. London: Methuen & Co Ltd.
- Crawford Camiciottoli, B. (2004). Audience-oriented relevance markers in business studies lectures. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.), *Academic discourse: new insights into evaluation* (pp. 81–97). Bern: Peter Lang.
- Crawford Camiciottoli, B. (2007). *The language of business studies lectures*. Amsterdam: John Benjamins.
- DeCarrico, J., & Nattinger, J. R. (1988). Lexical phrases for the comprehension of academic lectures. *English for Specific Purposes*, 7(2), 91–102. doi: 10.1016/0889-4906(88)90027-0
- Deroey, K. L. B. (2013). *Relevance marking in lectures: a corpus-based study*. (Unpublished PhD Dissertation). Ghent University, Ghent, Belgium.
- Deroey, K. L. B. (2015). Marking importance in lectures: Interactive and textual orientation. *Applied Linguistics*, 36(1), 51–72. doi: 10.1093/applin/amt029
- Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2012). Just remember this: Lexicogrammatical relevance markers in lectures. *English for Specific Purposes*, 31(4), 221–233. doi: 10.1016/j.esp.2012.05.001
- Field, J. (2011). Into the mind of the academic listener. *Journal of English for Academic Purposes*, 10(2), 102–112. doi: 10.1016/j.jeap.2011.04.002
- Flowerdew, J. (1994). Research of relevance to second language lecture comprehension: An overview. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic listening: Research perspectives* (pp. 7–29). Cambridge: Cambridge University Press.
- Flowerdew, J., & Miller, L. (1997). The teaching of academic listening comprehension and the question of authenticity. *English for Specific Purposes*, 16(1), 27–46. doi: 10.1016/S0889-4906(96)00030-0
- Hunston, S. (1994). Evaluation and organization in a sample of written academic discourse. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in written text analysis* (pp. 191–218). London: Routledge.

- Hunston, S. (2000). Evaluation and the planes of discourse: Status and value in persuasive texts. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in text: Authorial stance and the construction of discourse* (pp. 176–207). Oxford: Oxford University Press.
- Jung, E. H. (2003). The role of discourse signaling cues in second language listening comprehension. *The Modern Language Journal*, 87(4), 562–577. doi: 10.1111/1540-4781.00208
- Kiewra, K. A. (2002). How classroom teachers can help students learn and teach them how to learn. *Theory into Practice*, 41(2), 71–80. doi: 10.1207/s15430421tip4102_3
- Lodico, M. G., Spaulding, D. T. & Voegtle, K. H. (2006). *Methods in educational research from theory to practice*. San Francisco, CA: John Wiley & Sons.
- Lynch, T. (1994). Training lecturers for international audiences. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic listening: Research perspectives* (pp. 269–289). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2004). *Study listening: a course in listening to lectures and note taking*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2011). Academic listening in the 21st century: Reviewing a decade of research. *Journal of English for Academic Purposes*, 10(2), 79–88. doi: 10.1016/j.jeap.2011.03.001
- McKeachie, W. J. (1994). *Teaching tips: Strategies, research, and theory for college and university teachers*. Lexington: Heath and Co.
- Mulligan, D., & Kirkpatrick, A. (2000). How much do they understand? Lectures, students and comprehension. *Higher Education Research and Development*, 19(3), 311–335. doi: 10.1080/758484352
- Nesi, H. (2001). A corpus-based analysis of academic lectures across disciplines. In J. Cotterill, & A. Ife (Eds.), *Language across boundaries. BAAL, Vol. 16* (pp. 201–218). London: Continuum.
- Salehzadeh, J. (2006). *Academic listening strategies: A guide to understanding lectures*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Scerbo, M. W., Warm, J. S., Dember, W. N., & Grasha, A. F. (1992). The role of time and cuing in a college lecture. *Contemporary Educational Psychology*, 17(4), 312–328. doi: 10.1016/0361-476X(92)90070-F
- Schleef, E. (2008). "The lecturer's OK" revisited: Changing discourse conventions and the influence of academic division. *American Speech*, 83(1), 62–84. doi: 10.1215/00031283-2008-003
- Scott, M. (2015). *WordSmith Tools version 6*. Stroud: Lexical Analysis Software.
- Swales, J. M., & Burke, A. (2003). "It's really fascinating work": Differences in evaluative adjectives across academic registers. In P. Leistyna & C. F. Meyer (Eds.), *Corpus analysis: Language structure and language use* (pp. 1–18). Amsterdam: Rodopi.
- Titsworth, B. S., & Kiewra, K. A. (2004). Spoken organizational lecture cues and student note taking as facilitators of student learning. *Contemporary Educational Psychology*, 29(4), 447–461. doi: 10.1016/j.cedpsych.2003.12.001

مجله علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)، http://jlr.alzahra.ac.ir/article_2439.html

Wharton, T. (2009). *The pragmatics of non-verbal communication*. Cambridge: Cambridge University Press.